

مقایسه تحلیلی میزان مهریه بر اساس قانون موضوعه ایران و کشورهای اسلامی

حمید رضا مددی

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی ریز، نی ریز، ایران.

چکیده

این مقاله بدنبال مقایسه تحلیلی میزان مهریه بر اساس قانون موضوعه ایران و کشورهای اسلامی با روش توصیفی و مقایسه ای می باشد. در رابطه با حقوق زن بعد از ازدواج، به دو نوع حق تأکید شده است؛ حقوق مالی و غیرمالی. مهریه و نفقه از حقوق مالی مختص به زوجه هستند. یافته ها نشان می دهد؛ در اکثر کشورهای اسلامی، مهریه جزء لاینفک ازدواج است. در عربستان سعودی؛ مهریه اجباری است و معمولاً به صورت نقدی پرداخت می شود. در امارات متحده عربی؛ قوانین مهریه بر اساس شریعت اسلامی است، اما مبلغ آن محدودیت قانونی ندارد. در مصر؛ مهریه در دو بخش معجل (پرداخت فوری) و موجل (پرداخت در آینده) تعیین می شود. در سوریه صداق یا نخله است که هر دو نام نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی هستند مهریه با توافق خانواده عروس و داماد تعیین می شود. نتایج بررسی ها نشان داد که اصل شرع، قانون و عرف بر تراضی طرفین در مسئله مهریه می باشد اما گاه فقها، حکومت اسلامی و قانون بر اساس مقتضیات زمان تغییراتی در میزان مهریه داده اند. اصول کلی مهریه در کشورهای اسلامی مشابه است، اما جزئیات و نحوه اجرا می تواند متفاوت باشد.

واژه های کلیدی: میزان مهریه، مهریه قانون موضوعه ایران، مهریه کشورهای اسلامی

مقدمه

خانواده هسته بنیادین جامعه است. بدیهی است که اگر این هسته بنیادین از استحکام کافی برخوردار باشد، می توان به سلامت و پویایی جامعه امیدوار بود. آنچه مبانی خانواده را استحکام می بخشد، صمیمیت، همدلی و گذشت است. آنجا که چنین روحیه ای حاکم باشد، جایی برای حکومت قانون باقی نمی ماند. یکی از موضوعات اختلاف برانگیز فقهی و حقوقی بحث «افزایش مهریه» بعد از عقد است. در واقع مهریه در اصطلاح حقوقی، حقی است که برای زنان در زمان ازدواج تعیین می شود و مرد موظف به پرداخت آن است. این حق در قانون اسلام مطرح شده و تعیین آن در زمان ازدواج مربوط به کشورهای اسلامی و ازدواج به صورت عقد و نکاح است. (صفایی، ۱۳۹۲: ۷۸) میزان مهریه در عربستان، عرف مهریه ۱۴ هزار دلار در جمهوری آذربایجان، میانگین نرخ مهریه در حدود ۲۰۰۰ منات برآورد می شود. میانگین نرخ مهریه در میان اقوام مختلف کشور هند در حدود ۱۰۰ هزار تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار روپیه تعیین می شود. در ترکیه نیز نرخ مهریه به طور متوسط ۳۵ هزار لیر است. در مناطق مختلف چین در میان اقوام مختلف، نرخ مهریه حدود ۱۰۰ هزار یوان تخمین زده می شود. در عمان نرخ مهریه در حدود ۱۰ هزار ریال عمان است (قبولی درافشان، ۱۳۹۲: ۷۱) این موضوع که آیا اساساً چنین اقدامی صحیح و ممکن است یا با مانع فقهی و حقوقی روبه روست، مستلزم کار جامعه شناسان و روانشناسان و حقوقی است که راه هایی برای تقویت روحیه گذشت در خانواده ها جستجو کنند؛ اما مأموریت دانش حقوق، این است که اولاً با وضع قوانینی درست و کارآمد، راهکارهایی برای پیشگیری از بروز اختلاف در میان اعضای خانواده، به ویژه زوجین، بپندیشند. ثانیاً مقررات فصل خصومت را به گونه ای تنظیم نماید که به سریع ترین و دقیق ترین شکل، احقاق حق شود. برای رسیدن به این هدف باید قانونی که وضع می شود، بر مبنایی صحیح استوار باشد؛ به عبارت دیگر قانون باید دارای فلسفه ای درست باشد تا بتواند سودمند واقع شود. در نظام حقوقی ایران به تبع از فقه اسلامی در صورت ازدواج، مرد مکلف می شود مالی را به عنوان صدق یا مهر به زن بپردازد. در حالت معمول مقدار مهر با تراضی و توافق زوجین در هنگام عقد تعیین می شود. بر اساس دستورات شرع مقدس اسلام، شایسته است با تعیین مهریه ی متعادل، با توجه به اصول شرعی و در حدی که افراط و تفریط نباشد، پایه های یک زندگی مشترک از ابتدا به گونه ای صحیح بنا نهاده شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۳۱) بر اساس آیه ۴ سوره نساء «... و اتوا النساء صدقاتهن نحله...» فلسفه شرع مقدس برای مهریه یک نوع هدیه دادن است. سنت پیامبر در این زمینه در مورد حضرت زهرا (س) و زنان پیامبر مهر السنه بوده و زیاد نبودن مبلغ مهریه، به عنوان امری پسندیده تلقی می شده است. در اجتماع کنونی ما که نوعاً ازدواج ها دچار آسیب شده است، برخی خانواده ها برای فرار از تزلزل و جدایی، در موقع پیوند ازدواج مهریه ی دختر را خیلی بالا گرفته و از این گذرگاه می کوشند تا پیوند ازدواج را استحکام ببخشند؛ غافل از این که همین دوراندیشی راساً و مستقلاً عامل تزلزل و تضعیف خانواده می گردد (شکری، ۱۳۹۰: ۲۵). با توجه به این که در حال حاضر در کشور ما بین ۱۳ تا ۱۴ میلیون جوان در آستانه ازدواج قرار دارند و یکی از شرایط امر ازدواج در شرع مقدس اسلام مسئله مهریه است و نظر به این که ۷۸ درصد از جوانان، مهریه سنگین را موجب گریز از ازدواج می دانند، تعیین میزان مهریه به نوعی که هم قابل پرداخت بوده و هم جلوی هرگونه سوء استفاده احتمالی را بگیرد، تبدیل به یکی از معضلات اجتماعی گردیده است. لذا، مطالعه وضعیت مهریه در ازدواج جوانان امروزی، آسیب شناسی آن به منظور برنامه ریزی جهت تسهیل امر مقدس ازدواج و برطرف نمودن موانع آن ضروری می باشد (صفایی، ۱۳۹۲: ۸۹).

۱- مفاهیم

۱-۱- مهریه در ادبیات فقهی و حقوقدانان

۱-۱-۱- مهریه در چشم انداز لغوی

مهر در لغت به معنی صدق زن آمده است. مهریه از باب نفع و یاری است، به این صورت زمانی که گفته می شود: «اعطیتها مهر: مهر را به او اعطا کرد». کلمه مهر در قرآن به کار نرفته است؛ بلکه از واژه هایی نظیر نحلّه، صدق، فريضه و اجر استفاده شده است. مهر کلمه ای است عربی و در فارسی آن را کابین گفته اند و لغات دیگر مترادف آن در عربی، صدق، نحلّه و اجر است (محقق داماد، ۱۳۸۶ش، ۲۲۳) در ادبیات فقیهان مهر نام های مختلفی دارد. بعضی از فقهای اهل سنت در ابتدای بحث مهر، ۹ نام برای آن شامل: «الصدق، والصدقه، والمهر، و النحلّه، والفريضه، والجر، والعائق، والعقر، والحباء» ذکر نموده اند. نجفی از فقهای امامیه در باب مهر ده اسم برای مهر شامل «الصدق به فتح صاد و کسر آن، و النحلّه و الجر و الفريضه و العقر و الصدقه به فتح صاد با ضم دال و اسکان و فتح و ضم آن و العلیقه و الحباء بالمد و کسر الحاء المهمله ثم موحدّه، و الطول» ذکر می کند. (نجفی، ۱۴۱۰ق، ۳۱/۲۰). واژه مهر از الفاظ مشهور است و در روایات آمده ولی در قرآن نیست.

۱-۱-۲- مهریه در چشم انداز مصطلح

از نظر فقهی و حقوقی هر نوع مالی که قابل تملک باشد، اعم از عین، منفعت یا حق را می توان به تبع عقد نکاح مهر قرار داد. همچنین از نظر مقدار اگر به اندازه های باشد که مال محسوب شود، به عنوان مهر قابل قبول است و هرگونه عمل یا کاری مثل یاددادن حرفه یا شغلی که منفعتی برای انسان محسوب شود را می توان مهر قرار داد. فقها مبحث مهر یا صدق را جداگانه و متأخر از مقدمات نکاح و شرایط صحت عقد و منفصل از ایجاب و قبول می آورند و در بحث امکان جعل خیار در صداقت به صراحت اعلام میدارند که توافق بر مهر و ذکر آن در عقد جزو شرایط صحت عقد نیست و حتی اگر در عقد، عدم مهر هم شرط شود، نکاح صحیح قلمداد می شود. لازم به ذکر و تأکید است که عقد نکاح در مقایسه با دیگر قراردادهای عقدی با ماهیت خاص و ویژه محسوب می شود که با دیگر قراردادهای به طور کامل مطابقت ندارد. در اصطلاح مهر عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به پرداخت آن به زن است. الزام مربوط به تملیک مهر ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد، لذا با سکوت طرفین یا توافق بر عدم استحقاق زن، تکلیف از عهده مرد برداشته نمی شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲ش، ۱/۱۳۱). مردان باید مهریه زنان را با رضایت و بدون قصد عوض و به صورت مجانی به همسر خود تقدیم کنند. مهر نوعی الزام قانونی است و زوجین هنگام عقد یا پس از آن میتوانند مقدار آن را به تراضی معین سازند (کاتوزیان، ۱۳۹۲ش، ۱/۱۳۱) در ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی، تعیین مقدار مهریه به تراضی طرفین واگذار شده است. مهر به دو نوع تقسیم می شود: مهرالمسمی که عبارت از مهری است که بر اساس توافق زوجین در مقدار و نوع تعیین می شود. مهرالمثل عبارت است از مهری که مقدار آن با رعایت حال زن از حیث شرافت خانوادگی، وضعیت او نسبت به همسالان، خویشان و همشهریان در نظر گرفته شود.

۲- تحدید مهریه در فقه و حقوق موضوعه

تعیین مهریه برای زن در ازدواج دائم و موقت امری تاییدی در اسلام بوده و خداوند در قرآن نیز به پرداخت مهریه به زنان تأکید فرموده است. علی رغم اینکه در اسلام بر استحباب مهریه کم و کراهت زیادی آن تأکید شده است در سال های اخیر میزان مهریه افزایش زیادی پیدا کرده است و این امر مشکلات را برای مردان به وجود آورده است. در این مقاله مقایسه تحلیلی میزان مهریه بر اساس قانون موضوعه ایران و کشورهای اسلامی بررسی شده و باعنایت به مبانی تغییر احکام و نبود این مبانی

در خصوصت غیر مهریه امکان دخالت مردم عادی جهت تحدید اراده ی زوجین در تعیین مهریه مورد تردید قرار گرفته است. (شکری، ۱۳۹۰: ۱۸۴)

۳- بنیان های نظری میزان فقهی مهر

۳-۱- نظریات اقلیت فقیهان امامیه

نظر اقلیت فقه های امامیه برخی بر این عقیده اند که میزان مهر نباید بیشتر از مهرالسنه یعنی پانصد دینار باشد. ایشان در توجیه ادعای خود ضمن استناد به روایت مفضل از امام صادق ع که میگوید از حضرت در مورد مقدار مهریه زن که نباید از آن تجاوز گردد سؤال نمود و ایشان فرمودند: «سنت محمدی ۵۰۰ درهم است، پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر [بازگشت داده می شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ۱۱۰/۱۵)

۳-۲- نظریات اکثریت فقیهان امامیه

بر خلاف نظر نخست، اکثر فقه های امامیه عقیده دارند که برای مهریه رعایت کمیت خاص در مورد مهر الزامی وجود ندارد و تعیین مقدار مهر را تابع قصد و توافق طرفین میدانند (نجفی، ۱۴۱۰: ۱۰/۱۵) در همین راستا یکی از فقها اینگونه بیان داشته اند: «مهریه در نزد ما طایفه امامیه، میزان خاصی ندارد و هر چیزی که صحیح باشد به عنوان قیمت در معامله و اجرت برای اجاره قرار بگیرد، مهر قراردادن آن جایز است. در جانب زیادت نیز برای مهر، میزان خاصی در نزد علمای امامیه وجود ندارد» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۴/۲۷۲)

الف) قرآن

خداوند می فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا: اگر خواستید زنی را رها کنید و زنی دیگر اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید، نباید چیزی از مهر او را پس بگیرید. آیا با تهمت زدن به زن مهر او را می گیرید؟ و این گناهی آشکار است» (نساء، ۲۰)

ب) روایات

عموم روایات مبین تعیین مهریه با توافق طرفین است. روایات متعددی موجود است که حکایت از عدم تحدید مهر می کند و تعیین مهر را به اختیار زوجین واگذار کرده است. ذیلاً به برخی از روایات پرداخته می شود: روایت منقول از امام رضاع اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهریه وی را بیست هزار سکه قرار دهد و برای پدرش ده هزار، مهر زن صحیح بوده و آنچه برای پدر قرار داده شده فاسد است «لَوْ أَنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَجَعَلَ مَهْرَهَا عَشْرِينَ أَلْفًا وَجَعَلَ الْبَيْتَ عَشْرَةَ أَلْفٍ كَانَ الْمَهْرُ جَائِزًا وَ الَّذِي سَمَاهُ لَا بَيْتَهَا فَاسِدًا»

ج) مقدار مهر در فقه اهل سنت

بر خلاف اینکه اقلیت فقه های امامیه به محدودیت مهریه قائلند، در کلیه مذاهب اهل سنت فقها بر فقدان حداکثری مهریه متفق القولند. مشهور فقه های اهل سنت معتقدند نه تنها هیچ دلیلی نه در قرآن و نه در سنت بر محدودیت میزان مهریه وجود ندارد، بلکه دلایلی موجود است که به زوجین اختیار میدهد میزان مهریه را با تراضی به هر مقدار که مایلند تعیین کنند. دلیل قرآنی ایشان همان آیه ۲۰ سوره نساء است که اکثریت فقه های امامیه به آن استناد کرده اند و دلیل نامبرداران از سنت نیز روایتی از خلیفه دوم است که ایشان با دیدن زیاده روی مردم در تعیین میزان مهریه تصمیم گرفت میزان مهریه را مشخص و مقرر کند، با این توضیح که هیچ کس حق تجاوز از این میزان را نداشته باشد، تا اینکه امکان ازدواج آسان فراهم شود. هنگامی

که مردم را به این امر دعوت کرد، زنی وی را مخاطب قرار داده و اظهار نمود: تو در حالی که خداوند که میرفرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آیتیم قنطارا فال تاخذوا منه شیئا اتاخذونه مهتانا و اثما مبینا» را تلاوت میکنی چنین حمکی را صادر می نمایی». خلیفه دوم با شنیدن این استدلال بیان داشت: «عمر خطا کرد و این زن درست میگوید» (صافی گلیپایگانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۵۲)

۴- میزان مهریه حقوق ایران

قانونگذار در ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده، فقط ضمانت اجرایی را برای مهریه تعیین کرده است و سقفی که تعیین نموده است مربوط به ضمانت اجرایی می باشد و در اصل به تراضی طرفین اعتراضی ندارد بلکه عنوان میدارد که در صورتی که میزان مهریه از این حد بیشتر شود ضمانت اجرایی ندارد؛ اما محدودیتی در نظر نگرفته است. ابهامی که در این زمینه وجود دارد این است که در این زمینه قانون به صراحت بیان نکرده است که بیش از صد و ده سکه آیا زوجه قادر به تصرف اموال می باشد یا نه فقط قصد حبس ندارد و این از مشکلاتی است که قانونگذار آن را مبسوط نکرده است. باید عنوان کرد که این مساله هیچ منافاتی با شرع ندارد؛ چرا که در جوانان مسلمان اصل بر عدم ملات و دارای زوج است و قانونگذار با زیرکی خاص تا صد و ده سکه را به صورت عندالمطالبه درآورده است و بیش از آن را به صورت عندالاستطاعه مشخص کرده است. می توان عنوان کرد که یکی دیگر از مواردی که قانونگذار بر اساس شرایط حاکم بر جامعه در مورد مهریه تعیین کرده است عندالاستطاعه بودن زوج در پرداخت مهریه میباشد؛ چرا که نص صریح قرآن بر این مبناست که هرگاه مردی زنی را به عقد خویش درآورد، باید به او مهریه پرداخت کند. به عبارت دیگر به مجرد این که عقد ازدواج محقق شد، زن مالک مهریه می شود و مهریه دینی است به گردن مرد که عندالمطالبه باید به همسرش بپردازد (صفایی، ۱۳۹۲: ۲۱۱) عبارت «عندالاستطاعه» از قدیم در قبالة های نکاح به عنوان شرط درج گردیده است. در عرف شایع حقوقدانان نیز عبارت مزبور در قالب شرط ضمن نکاح یا شرط ضمن مهریه طرح می گردد (کاتوزیان، ۱۳۰۱ ج، ۱ ص ۱۳۰) تغییر مهریه و امکان آن بحثی است که در قوانین موضوعه، به ویژه قانون مدنی محل توجه قانونگذار واقع نشده است بر همین اساس غالب نویسندگان حقوقی نیز به آن نپرداخته اند. با این وجود به لحاظ موضوعی این عمل، در جامعه بسیار اتفاق افتاده و محاکم نیز در مقابل با برداشت های متفاوت آرای مختلفی را صادر نموده اند. برخی از محاکم با این استدلال که مهریه شرعی همان است که در ضمن عقد نکاح مقرر شده، دعوای مطالبه مازاد بر مهریه را محکوم به رد دانسته اند. در دادنامه شماره ۱۲۳۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۶ صادره از شعبه دوم تجدیدنظر استان تهران که در راستای تأیید دادنامه بدوی صادره از شعبه ۲۴۰ دادگاه خانواده تهران صادر شده، چنین بیان داشته اند که اعتراض خواهان نسبت به رد دعوای مطالبه مازاد بر مهریه از سوی دادگاه بدوی وارد نیست و دادنامه بدوی عیناً تأیید می شود. در این رأی دادگاه بدوی و تجدیدنظر نظری را پذیرفته اند که دعوای مازاد بر مهریه، که ناشی از توافق مبنی بر افزایش آن بوده است را تحت عنوان مهریه نپذیرفته اند. لیکن در این نظر مشخص نشده است که آیا افزایش صورتگرفته تحت عنوانی دیگر غیر از مهریه قابل مطرح کردن است یا خیر؟ در مقابل برخی از محاکم با توجه به اصل حاکمیت اراده، اصل آزادی قراردادی، عدم مخالفت با قانون چنین توافقی را با موازین شرعی و قانونی مغایر ندانسته و حکم به لازم الاجرا بودن آن داشته و حتی موضوع را مشمول ماده ۹۲ قانون ثبت اعلام نموده اند. شعبه بیست و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در نقض دادنامه بدوی در دادنامه شماره ۱۱۷۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۳۱ بیان داشته است: «... مستند به ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک که حسب آن قضات محاکم مکلف به رعایت مفاد اسناد رسمی هستند و مطالبه کامل مهریه از حقوق مسلم زوجه به موجب سند رسمی و

لازم الاجرا از ناحیه زوج خواهد بود و یکی از آثار عقد نکاح مطالبه مهریه بوده که مقدار آن توافقی بوده و حتی بعد از عقد نکاح و تا زمانی که عقد باقی بوده کم و یا زیاد بودن آن توافقی است و هیچ گونه منع قانونی نداشته لذا با توجه به مراتب فوق اعتراض تجدیدنظر را وارد دانسته و ضمن نقض دادنامه بدوی، زوج را مستند به ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی ملزم به پرداخت... به موجب سند رسمی محکوم می نماید. «

۵- دلایل توجیهی افزایش مهریه

برخی از نویسندگان بر این باورند که زوجین بعد از عقد می توانند بر افزایش میزان مهر تراضی کنند. اهم دلایل ایشان از قرار ذیل است:

۵-۱- اصل صحت

با این توضیح که وفق ماده ۲۲۳ قانون مدنی، تراضی و توافقی که واقع می شود محمول بر صحت است، مگر اینکه فساد آن معلوم شود. حال آنکه در موضوع افزایش مهریه بحثی راجع به فساد آن مطرح نشده است. در همین راستا فقها بیان داشته اند که به هنگام بروز احتمال مبنی بر اخلاف در توافق، اعم از اخلاف در شرایط آن یا شرایط متعاقبین یا عوضین، اصل صحت جاری می شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۱/۲۹۲) و بنابراین در فرض افزایش مهریه نیز در صورت تردید در خصوص صحت آن می بایست به حکم اصل مراجعه نمود و حکم بر صحت و درستی آن داده شود. مهریه در زمره عقود احسانی و قراردادهای رایگان است و در چنین عقود قانونگذار در شروط عمومی آنها سختگیری نمی کند تا زمینه ی گسترش آنها را فراهم سازد (نجفی، ۱۳۰۱ ص ۱۰) عده ای بر این عقیده اند که دلیل بر اعتبار شرط قدرت بر تسلیم، سیره عقلاست و در جایی که با انجام رساندن موضوع تعهد امکانپذیر نیست تعهد لغو و بیهوده می نماید و لذا از شمول عمومات نفوذ و صحت خارج خواهد بود (انصاری، ۱۳۰۴ ص ۱۰۳)

۵-۲- اصل آزادی قراردادی

براساس این اصل قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد می کنند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است (مستنبط از ماده ۱۰ قانون مدنی). در این موضوع اصل آزادی قراردادی نیز اقتضای آن را دارد که هرگاه الزامی صریح قانونی مبنی بر منع به افزایش مهریه وجود ندارد، می بایست به اراده شخص احترام گذاشت و اراده طرفین را نافذ و معتبر قلمداد نمود. ماهیت مهریه عطیه و هدیه مالی برای آغاز یک رابطه عاطفی است و فلسفه اولیه آن تامین و ایجاد حق اقتصادی برای زن بوده است، اما عملاً و عرفاً در کشور ما تضمین زندگی مشترک، جبران نقض تعهدات شوهر و جبران تبعیضات قانونی زنان است. بنابراین راهش نجات بی قید و شرط زندانیان مهریه یا تضییع حقوق مالی و اقتصادی زنان با عدم حمایت قانونی در مطالبه و وصول نیست. اصلاح قوانین تبعیض آمیز و تنظیم شروط ضمن عقد با درج در سند نکاحیه، الزامی شدن بیمه مهریه می تواند راهکارهای مناسبی در تعدیل مهریه باشد. به این صورت که زنان زمانی از تورم مهریه بگذرند و در تعیین آن تعدیل کنند که حقوق نداشته خود را طی وکالت نامه رسمی با خواستگار توافق کنند. اما این هم کافی نیست و مهریه به همین صورت تا اصلاح قوانین تبعیض آمیز علیه زنان باید ادامه یابد. مهریه نه به عنوان تشریفات بلکه به عنوان رسم و سنت مورد قبول است و با توجه به اینکه در جامعه ایران در هنگام بسیاری از ازدواج ها، بر مبنای عرف، سکه به عنوان مهریه در نظر گرفته می شود و نظر به عدم تعادل نرخ آن به خصوص با توجه به رخدادهای اخیر از سوی و افزایش بیرویه میزان مهریه در گذر زمان از سوی دیگر این پدیده را به یک مساله اجتماعی تبدیل کرده است و تعدادی از جوانان در زندانها

جریمه مهریه های غیرقابل پرداخت را متقبل شده اند. این امر لزوم بررسی و تحقیقات علمی را در این حوزه میطلبد. اما باید دانست اغلب مطالعات و پژوهش های انجام شده در باب مهریه جنبه حقوقی و فقهی دارد و تحقیقات انجام شده از بعد جامعه شناسی بسیار اندک است. در حالیکه مساله مهریه امروزه بیش از آنکه حقوقی و فقهی باشد یک مساله اجتماعی است. (قبولی درافشان، ۱۳۹۷: ۱۳۲)

۵-۳- رکن نبودن مهریه در عقد نکاح دائم

عقد نکاح همانند سایر قراردادها قواعد خاص خود را دارد. مهریه از جمله ارکان عقد نکاح نبوده و حتی توافق زوجین مبنی بر عدم تعلق مهر به زوجه خللی به عقد نکاح وارد نمی کند. بنابراین تغییر در امری که جزو ارکان عقد نیست، علی القاعده نباید با مانع یا مخالفت قانونگذار روبه رو باشد.

۵-۴- صحت رجوع به مابذل در طلاق خلع و مبارات

در نظام حقوقی ایران به تبعیت از فقه امامیه امکان رجوع زوجه به مابذل را در ایام عده طلاق خلع و مبارات به صراحت پذیرفته شده است (مستفاد از بند ۳ ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی) حال پر واضح است که با بذل مهریه، عمل حقوقی ابراء و یا هبه محقق شده و دیگر عنوانی با نام مهریه باقی نمی ماند، اما می بینیم که در این وضعیت امکان رجوع زوجه به مهریه وجود دارد. بنابراین می توان با توجه به قیاس اولویت، قائل به این نظر بود که اجزای مهریه، افزایش و کاهش آن نیز دارای چنین قابلیت هستند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۱۸)

۶- مهریه در کشورهای اسلامی و تطبیق با نظام حقوقی ایران

در اکثر کشورهای اسلامی، مهریه جزء لاینفک ازدواج است:

عربستان سعودی: مهریه اجباری است و معمولاً به صورت نقدی پرداخت می شود.

امارات متحده عربی: قوانین مهریه بر اساس شریعت اسلامی است، اما مبلغ آن محدودیت قانونی ندارد.

مصر: مهریه در دو بخش معجل (پرداخت فوری) و موجل (پرداخت در آینده) تعیین می شود. (قبولی درافشان، ۱۳۹۷: ۱۹۲)

۶-۱- شباهتها و تفاوتها

شباهت اصلی بین ایران و دیگر کشورهای اسلامی، اجباری بودن مهریه است.

تفاوت عمده با کشورهای غربی در عدم وجود مفهوم مهریه و جایگزینی آن با قوانین تقسیم اموال است.

۶-۲- بررسی تطبیقی مهریه در حقوق ایران و مصر

در نظام حقوقی ایران و مصر، هرچند پرداخت مهر ضروری است، عدم توافق و عدم ذکر آن ضمن عقد نکاح، خللی در صحت عقد ایجاد نمی کند. درواقع مهر قراردادی جداگانه محسوب می شود. در قوانین ایران از مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعه به عنوان اقسام مهر نام برده شده است. اما در حقوق مصر، طبق فقه حنفی، مهرالمسمی و مهرالمثل به عنوان دو مهر واجب ذکر شده اند و متعه نه در قالب مهر، بلکه به عنوان هدیه ای است که در مواردی از طرف زوج به زوجه داده می شود. شرایط مالی ای که می توان به عنوان مهر قرار داد، در حقوق هر دو کشور یکسان است و تفاوت چ ندانی در آن مشاهده نمی شود. پرداخت مهر به نرخ روز در حقوق ایران در قانون مدنی پذیرفته شده است. (صفایی، ۱۳۹۲: ۸۰) نهاد پرداخت مهر به نرخ روز، نوآوری و ابتکاری است که در حقوق ایران شکل گرفته و در حقوق کشورهای دیگر، ازجمله مصر، مشاهده نمی شود و به این شکل از آن صحبت نشده است؛ هرچند در کشور مصر نیز، با توجه به وجود تعدیل قضایی در قانون مدنی این کشور، راجع به تعدیل مهریه

هم می توان بحث کرد. حقوق هر دو کشور در حوزه خانواده و ازجمله احکام مهر، مطابق آموزه های دین اسلام است. نکته مهمی که باید به آن پرداخت، رویکرد و شیوه پرداختن به احکام و ایجاد قواعد مربوط بدان در نظام های حقوقی دو کشور ایران و مصر می باشد. برخلاف حقوق ایران که احکام مربوط به خانواده، ازجمله مهر را در قانون مدنی آورده و ضمناً با قوانین دیگری مثل قانون حمایت خانواده، سعی بر تکمیل آن داشته، حقوق مصر احکام حوزه خانواده را از قانون مدنی جدا ساخته و در قانونی تحت عنوان قانون احوال شخصیه گرد آورده است؛ البته در آن هم، احکام زیادی آورده نشده و به عنوان نمونه فقط یک ماده به مهریه اختصاص داده شده است. ضمناً در این قانون ذکر شده است که در صورت فقدان حکم، باید به نظرات فقه حنفی رجوع کرد. درواقع می توان گفت که عملاً منابع فقهی به طور مستقیم به عنوان منبع قواعد شناخته شده است. بنابراین می توان گفت که مصر فاقد قانونی جامع و یکپارچه در حوزه خانواده است و در تدوین قوانین در این زمینه برخلاف حوزه های دیگری همچون قراردادهای و... که در قانون مدنی به آن پرداخته، ضعیف عمل کرده است. از این جهت است که هیئت علمای بزرگ الازهر مصر پیش نویس قانونی در ۱۹۲۲ ماده آماده کرده تا نواقص و کمبودهای قانون احوال شخصیه کنونی برطرف شود و قانونی کامل تر در حوزه خانواده در این کشور شکل بگیرد. اینکه قوانینی با توجه به مقتضیات زمان تهیه و اجرا شود تا اینکه صرفاً طبق نظرات فقهی که سال ها پیش بیان شده است، عمل گردد، طبیعتاً کارگشایتر به نظر می رسد. همین مسئله می تواند نقطه قوت حقوق ایران نسبت به حقوق مصر تلقی شود. به عبارتی دیگر، در ایران سعی شده است تا با توجه به منابع فقهی و قواعد و اصول حقوقی متناسب با نیازهای عرف کنونی جامعه، قواعدی وضع شود تا هم شریعت اسلامی رعایت شود و هم نیازهای روز جامعه برطرف گردد. به نظر می رسد این گونه، حقوق زوجین مخصوصاً زنان، بیشتر و بهتر تأمین می شود. (قبولی درافشان، ۱۳۹۷: ۲۵۲)

۳-۶- بررسی تطبیقی مهریه در حقوق ایران و عراق

مطالعه تطبیقی موضوع مهریه در قانون مدنی ایران و عراق با حکم فقهی آن، که دارای شباهت ها و تفاوت هایی که در مفاهیم مذاهب اسلامی وجود داشته است. در مورد حکم مهریه و ضمان آن، شریعت اسلامی این واقعیت را پذیرفته که انسان را برای خدمت به خود خلق کرده است. از آنجا که قانون مدنی ایران و عراق به تبعیت از فقه امامیه تبیین گردیده است و حق زوجه بر مهریه در اسلام از حقوق مسلم زوجه است، در قانون احوال شخصیه عراق انواع مهرعمدتا همان مواردی است که در قانون مدنی ایران ذکر شده است. حقوق مالی نفقه، مهریه و ارث از قوانین آمره و غیر قابل اسقاط و شرط اسقاط آنها لغو است، عقد ازدواج مقتضی و موجب این سه حق است، ولی استقرار کامل آنها نیازمند به شرائط دیگر است. همچنین در طلاق در حال نشوز پس از نزدیکی تمام مهر، قبل از نزدیکی نصف مهر است. (شکری، ۱۳۹۰: ۵۲)

۳-۶- بررسی تطبیقی مهریه در حقوق ایران و سوریه

در سوریه نیز مهریه را سیاق می نامند، دلیل این نامگذاری این است که در قدیم، مهریه به شکل گروهی از چهارپایان مانند شتر و گاو به عروس پرداخت می شد و داماد آن را به منزل عروس می برد، به همین دلیل آن را سیاق (سوق دادن و بردن) نامیده اند نام دیگر مهریه در سوریه صداق یا نخله است که هر دو نام نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی هستند مهریه با توافق خانواده عروس و داماد تعیین می شود و اغلب، میزان آن در ازدواج فامیلی کمتر از ازدواج با غریبه است به این معنی که اگر داماد با دخترعموی خود ازدواج کند مهریه عروس بسیار کمتر از ازدواج با غریبه است در این کشور رسم است مهریه یا فوراً پرداخت شود یا این که پرداخت آن به تاخیر می افتد و پدر عروس می تواند آن را برای تهیه جهیزیه از داماد دریافت کند. (صفایی، ۱۳۹۲: ۷۶)

نتیجه گیری

در اکثر کشورهای اسلامی، مهریه جزء لاینفک ازدواج است. در عربستان سعودی، مهریه اجباری است و معمولاً به صورت نقدی پرداخت می شود. در امارات متحده عربی؛ قوانین مهریه بر اساس شریعت اسلامی است، اما مبلغ آن محدودیت قانونی ندارد. در مصر؛ مهریه در دو بخش معجل (پرداخت فوری) و موجل (پرداخت در آینده) تعیین می شود. در سوریه صدق یا نحلّه است که هر دو نام نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی هستند مهریه با توافق خانواده عروس و داماد تعیین می شود. نتایج بررسی ها نشان داد که اصل شرع، قانون و عرف بر تراضی طرفین در مسئله مهریه می باشد اما گاه فقها، حکومت اسلامی و قانون بر اساس مقتضیات زمان تغییراتی در میزان مهریه داده اند. اصول کلی مهریه در کشورهای اسلامی مشابه است، اما جزئیات و نحوه اجرا می تواند متفاوت باشد. در بین فقههای شیعه میزان سنجش «مهرالسنه» می باشد، اما هیچ دستور شرعی در این باره نداده اند و گاه مکروه بودن بیش از این مقدار و گاه مستحب بودن این مقدار و کمتر از آن را به عنوان دستور به مقلدان خود داده اند، اما بررسی شواهد نشان می دهد امروزه برخی با طرح مهریه های سنگین در صدد سودجویی هستند که در این وضعیت پیشنهاد و توصیه کاربرد آنچنانی ندارد و باید بر طبق مر قانون با این افراد مواجه شد، البته قانون مهریه را در صورتی قابل پرداخت میداند که قابلیت آن را داشته باشد و فرد توانایی این کار را نیز داشته باشد، اما قوانینی که به طور کامل به مهریه پرداخته شده و دخالت حکومت در این زمینه نیز توانسته است تا حدود زیادی از مشکلات زندانیان در بند مهریه بکاهد، یکی از این قوانین که کاربرد مناسبی دارد قانون تعیین سقف مهریه تا ۱۱۲ عدد میباشد که فقط تا این میزان قابلیت اجرایی دارد، نه به این معنی که بیش از این را زن نمی تواند بگیرد، بلکه در صورت دارایی مرد، زن می تواند این درخواست را برای صد و ده سکه به بالا نیز داشته باشد. عندالاستطاعه بودن زوج، اعسار زوج، کاهش سقف مهریه همگی گامهایی هستند که قانونگذار برای جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده در دستور کار دارد که گاه در مسیر درست هدایت شدهاند و گاه با مشکلاتی مواجه شدهاند. ورود به مسائل شخصی در اسلام نکوهیده است، اما گاه بنا بر نیاز جامعه باید به مسائل شخصی مانند مهریه ورود پیدا کرد، درست است که مهریه بر اساس تراضی طرفین میباشد اما توافق طرفین گاه هزینه های زیادی را متوجه خانواده، فرزندان و جامعه میکند که شارع و قانونگذار می تواند با ورود به این مسئله از مشکلات فراوان جامعه جلوگیری کند. میتوان از مطالب فوق نتیجه گرفت که فقه امامیه اصل مهریه بر تراضی طرفین است اما فقههای زیادی مهرالسنه را به عنوان سقف در نظر گرفته و بیشتر و کم تر از آن را مکروه و مستحب دانسته اند، در اهل سنت همگی بر این عقیده اند که تراضی طرفین تعیین کننده میزان مهریه است، در حقوق ایران نیز تراضی طرفین در نظر گرفته شده است اما قانونگذار بر اساس مقتضیات زمان (تورم، بالا رفتن قیمت سکه، مشکلات جامعه شناختی و...) برای مهریه سقف تعیین نموده و حتی برای عدم پرداخت مهریه نیز قوانین خاصی تنظیم کرده است که خانواده به عنوان نهاد اصلی دچار تزلزل نشود.

در بررسی نظریات ارائه شده نظر گروه دوم با توجه به مستندات قانونی، فقهی و منطق حقوقی حاکم بر تفسیر این قوانین و قواعد پذیرفته شد. لیکن لازم است در این موضوع به مواردی توجه شود. به عنوان نمونه می بایست رأی شماره ۴۸۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حمل بر فرضی شود که مهرالمسمی به صورت صحیح ذکر شده و سپس زوجین اقدام به افزایش مهریه نموده اند. لذا در حالتی متفاوت، اگر مهر تعیین شده توسط زوجین باطل باشد یا زوجین در تعیین مهر دچار اشتباه شده باشند، می بایست این اختیار را برای ایشان قائل شد که بتوانند بر مهر صحیح و به دور از اشتباه توافق نمایند. البته این فرض را نیز باید محدود به حالتی نمود که توافق قبل از نزدیکی صورت گرفته باشد، چرا که وفق قواعد و قوانین موجود که امری نیز هستند، با نزدیکی مهرالمثل بر عهده زوج قرار گرفته و لذا این فرض نیز از حکم اخیر مستثنی خواهد شد. موضوع

دیگری که باید بدان توجه شود این است که افزایش توافقی طرفین حتی اگر صحیح باشد، نمی تواند تابع احکام مهریه قرار گیرد. لذا اگر زوجه قصد اقامه دعوی داشته باشد باید با رعایت دعوی مربوط به آن موضوع تحت عنوانی که به آن نزدیک است، مثلاً صلح در دادگاه صالح و با رعایت شرایط قانونی مربوط به آن اقامه دعوی نماید. که البته نظر نگارنده بر این است این فرض نیز تحت عنوان افزایش مهریه صحیح نیست و در این فرض هم قابل مطالبه نیست، مگر اینکه تراضی صورت گرفته عنوان مشخص و مستقلی از مهر داشته باشد، که بدیهی است در این حالت موضوع کاملاً متفاوت و مجزا از بحث این نوشتار خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم.
- صفایی، حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی و پنجم، تهران: میزان، ۱۳۹۲ ش
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، قاهره، المكتبة التوفيقية، ۲۰۱۵ م.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ سنگی، ۱۴۱۰ ق.
- زحیلی، محمد، المعتمد فی الفقه الشافعی، دمشق، دارالقلم، ۲۰۱۱ م.
- زحیلی، وهبه، اصول الفقه الإسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۳۱ ق.
- زیدان، عبدالکریم، المفصل فی أحكام المرأة و البيت المسلم فی الشریعة الاسلامیة، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۵ ق.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، إلتصار فی انفرادات الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- شکری، فریده، «افزایش مهریه در نظام حقوقی ایران»، مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره، ۵۴، ۱۳۹۰ ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الاحکام، قم، مؤسسه حضرت معصومه، ۱۴۱۹ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیة، تهران، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ ق.
- همو، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- عبدالحمید، نظام الدین، احکام الاسرة فی الفقه الإسلامی المقارن، دمشق، دارالمناهج، ۱۴۳۲ ق.
- عرفانی، توفیق، مهریه در رویه قضایی، تهران، جنگل؛ جاودانه، ۱۳۸۹ ش.
- قبولی درافشان، محمدمهدی، «افزایش مهر پس از عقد نکاح در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران»، مجله فقه مقارن، شماره، ۱۲، ۱۳۹۷ ش.
- قمی سبزواری، محمداقبر، جامع الخلاف و الوفاق، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲ ش.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، استقلال، ۱۴۰۸ ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در دادگاههای خانواده، تهران، جنگل؛ جاودانه، ۱۳۸۸ ش.